

The comparison of schemas, parenting style, and life traps in married and divorced women

Monajem A. MSc[✉], Aghayousefi A. PhD¹, Zare H. PhD²

[✉] Department of Psychology, Payame- Noor University, Tehran, Iran

¹ Department of Psychology, Payame- Noor University, Qom, Iran

² Department of Psychology, Payame- Noor University, Tehran, Iran

Submitted: 2012.4.5

Accepted: 2013.6.10

Abstract

Introduction: The present study was an attempt to assess the early maladaptive schemas, parenting style, and life traps in married and divorced women in Tehran.

Method: Towards this end, 148 divorced applicants and 202 married women (350 in total) took part in the present study. Divorced applicants were selected from among the court clients using convenience sampling, and the normal group was selected using random cluster sampling from a number of elementary schools in Tehran. Data collection was done using Early Maladaptive Schemas (EMSs), Young Parenting Inventory (YPI), and the Life Trap questionnaire. For data analysis, MANOVA and path analysis were used.

Results: The two groups significantly differed from each other in the schemas of Disconnection and Rejection, Impaired Autonomy and Performance, Other-Directedness and Over-vigilance/Inhibition, Parental Origins, and life traps.

Conclusion: It is possible to predict divorce life traps using early maladaptive schemas and develop a model of divorce prevention and marital therapy based on the schematic therapeutic approach. The findings of this study can also be applied to clinical and counseling environments to help couples on the threshold of divorce.

Key words: Early Maladaptive Schemas, Parenting Styles, Life's Traps, Divorced, Women

مقایسه حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک فرزندپروری و تله‌های زندگی زنان مطلقه با عادی

عارفه منجم[✉]، علیرضا آقاییوسفی^۱، حسین زارع^۲

[✉]گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۱گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، قم، ایران

^۲گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲ / ۳ / ۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱ / ۱ / ۱۷

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر مقایسه حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های فرزندپروری و تله‌های زندگی بین زنان متأهل و مطلقه بود.

روش: برای این منظور آزمودنی‌های پژوهش ۳۵۰ نفر، ۱۴۸ نفر زن مطلقه، و ۲۰۲ نفر زن متأهل شهر تهران بودند. زنان مطلقه از میان مراجعه‌کنندگان به مجتمع قضایی خانواده به روش در دسترس و نمونه عادی به روش تصادفی خوشه‌ای از چند دبستان شهر تهران انتخاب شدند. همه افراد نمونه به کمک پرسشنامه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک فرزندپروری (ریشه‌های والدینی) و تله‌های زندگی ارزیابی شدند. برای تحلیل داده‌ها افزون بر روش‌های آمار توصیفی، مانوا و تحلیل تشخیص نیز به کار رفت.

یافته‌ها: دو گروه زنان در حوزه‌های بریدگی / طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری، سبک فرزندپروری (پدر، مادر)، تله‌های زندگی (زمان حال، کودکی) با یکدیگر تفاوت داشتند.

نتیجه‌گیری: می‌توان به کمک طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تله‌های زندگی طلاق را پیش‌بینی نمود و بر پایه این الگو یک رویکرد پیش‌گیری از طلاق و درمان زناشویی بر پایه رویکرد طرح‌واره درمان‌گری تدارک دید و یافته‌های این پژوهش را در محیط‌های بالینی و مشاوره‌ای برای کمک به همسران مشکل‌دار و در آستانه طلاق به کار گرفت.

کلیدواژه‌ها: طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های فرزندپروری، تله‌های زندگی، طلاق، زنان

مقدمه

کفایت و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و تفریح و محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشتن‌داری. در این مدل هجده طرح‌واره بر طبق پنج نیاز هیجانی ارضاء نشده در پنج حوزه مطرح شده است. حوزه اول: قطع ارتباط و طرد (Disconnection and Rejection)، حوزه دوم: خودگردانی و عملکرد مختل (Impaired Autonomy and Performance)، حوزه سوم: محدودیت‌های مختل (Impaired Limits)، نقص در محدودیت‌های درونی، احساس مسئولیت در قبال دیگران یا جهت‌گیری نسبت به اهداف بلندمدت زندگی. حوزه چهارم: دیگرجهت‌مندی (Other-Directedness)، حوزه پنجم: گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (Overvigilance/Inhibition) است [۷].

مطابق پژوهش‌های انجام شده طرح‌واره‌ها در حیطه‌های مختلف زندگی تاثیر می‌گذارند و یکی از این حیطه‌ها روابط صمیمانه مخصوصاً در زندگی زناشویی است. یانگ و لانگ (۱۹۹۷) چنین فرض کردند که رضایت در روابط نزدیک و دوستانه فقط زمانی دیده می‌شود که هم نیازهای رشدی به طور مقتضی برآورده شده باشند و هم نیازهای بزرگسالی ارضا شوند؛ چون هر یک از زوجین علاوه بر طرح‌واره‌هایی که با خود به رابطه می‌آورند، در ارتباط فعلی خود نیز طرح‌واره‌هایی به وجود می‌آورند که خاص این رابطه هستند [۳]. زمانی که نیازها ارضا نشوند ممکن است طرح‌واره‌های ناسازگار خاصی ایجاد شوند که بر روابط صمیمانه اثر بگذارند. یافته‌هایی وجود دارند که حاکی از وجود رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار و روابط والدینی است و یافته‌هایی نیز پیوند بین روابط خانواده و صمیمیت را تأیید می‌کنند. بنابراین امکان دارد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با صمیمیت در روابط زناشویی و در نتیجه با طلاق ارتباط داشته باشند. یانگ و همکاران در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که داشتن طرح‌واره ناسازگار اولیه پیش‌بینی‌کننده ناسازگاری بین فردی است، از طرفی، زوج‌درمانگران از زمان‌های گذشته بر اهمیت عوامل شناختی از جمله انتظارات و تفسیرها در شکل‌گیری، تداوم و تسکین روابط ناکارآمد وقوف داشته‌اند. باورها و طرح‌واره‌های مربوط به روابط میان‌فردی در بزرگسالی در همسرگزینی و روابط زناشویی نمود می‌یابند و بر آن تاثیر زیان بار می‌گذارند [۴]. هم‌چنین طرح‌واره‌ها به واسطه ارتباط و تاثیر که بر سبک دلبستگی، اختلال‌های شخصیت و اختلال‌های خلق می‌گذارند و می‌توانند تاثیر غیر مستقیم نیز بر روابط زناشویی داشته باشند. فریمن [۸] نشان داد که بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و نحوه تفسیر و تعبیر منفی مشکلات، رابطه معنادار مثبت وجود دارد. دی‌ناریا در پژوهشی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را با هیجان‌های مثبت، اعتماد به نفس و سازگاری مشارکتی همسران، دارای رابطه منفی گزارش نمودند [۹]. پژوهش‌های انجام شده در ایران در زمینه روابط طرح‌واره‌ها و رضایت زناشویی نشان دادند که زوجین با سبک مقابله‌ای هیجان مدار در تمامی زیر مقیاس‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نمرات بالاتری را کسب کردند به علاوه زوجینی که

رابطه بشری همواره از فاکتورهای کلیدی مدنظر علوم انسانی بوده است و در این میان از مهم‌ترین روابط بشری در پوشش نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن روابط زوج‌ها بوده که سنگ بنای آغازین تعاملات خانواده می‌باشد. به گفته دیوید مکی (۱۹۸۷) امید به آینده در گروهی موفقیت‌بی‌پایان در پیشرفت‌های تکنولوژی نیست بلکه در گلاویز شدن با کیفیت بنیادی در روابط بشری نهفته است [۱]. رابطه زناشویی به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین رابطه انسان توصیف شده است، زیرا ساختاری اولیه را برای بنا نهادن رابطه خانوادگی و تربیت کردن نسل آینده فراهم می‌سازد [۲]. از سوئی طلاق در یک دهه اخیر در جهان رو به افزایش بوده است [۳]. به گزارش اداره ثبت کل اسناد کشور آمار ازدواج از فروردین تا آخر آذر سال ۱۳۹۰ تعداد ۸۰۶۰۲ نفر و آمار طلاق ۲۳۱۱۷ نفر، به ثبت رسیده است و میانگین درصد طلاق به ازدواج در تهران از فروردین تا آذر ماه ۱۳۹۰ حدود ۲۹ درصد می‌باشد. در بررسی علت طلاق افزون بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، علل فردی و روان‌شناختی از جمله طرح‌واره‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند [۴]. طرح‌واره‌ها موجب سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی میان‌فردی (زوجین) به صورت سوء تفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف شده، گمانه‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه خود را نشان می‌دهند [۵]. در این میان پیازه (۱۹۵۴) و بالبی (۱۹۶۹) معتقدند که عملکرد والدین سبب ایجاد و گسترش مدل‌هایی در درون سازمان شناختی فرد به نام طرح‌واره می‌شود. این طرح‌واره‌ها در زندگی فرد به عنوان عدسی‌هایی عمل می‌کنند که تفسیر، انتخاب و ارزیابی فرد از تجارب وی را شکل می‌دهند [۶]. متعاقب نظریه‌های شناختی آسیب‌پذیری روانی و با وام‌گیری از دیدگاه پیازه، جفری یانگ نظریه‌ای را در رابطه با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه گسترش داده‌است. نظریه طرح‌واره‌ها یک مدل چند بعدی است و در واقع التقاطی از رویکردهای شناختی-رفتاری، روان‌پوشی، دلبستگی، گشتالت روابط شی، سازنده‌گرایی بوده و نگرشی جامع به مشکلات بین فردی انسان دارد. طرح‌واره‌های ناسازگارانه اولیه، الگوی‌های هیجانی و شناختی خود-آسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته‌اند و در سیر زندگی تکرار می‌شوند و بر نحوه تعبیر و تفسیر تجارب و رابطه با دیگران تاثیر می‌گذارند [۷]. منشاء این طرح‌واره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی، تجارب اولیه زندگی (ناکامی در ارضای نیازهای اولیه، ارضای بیش از حد و همانندسازی با رفتار نادرست والدین) و مزاج هیجانی کودک (مجموعه ویژگی‌های خلقی کودک که ذاتی هستند و متمایزکننده شخصیت اولیه کودک) است [۷]. این طرح‌واره‌ها در رابطه با پنج تکلیف تحولی اساسی به وجود می‌آیند که اعتقاد بر این است که کودک باید در طی تحول خود این تکالیف را در رابطه با والدین و محیط با موفقیت پشت سر گذارد. این پنج تکلیف عبارتند از: دلبستگی ایمن به دیگران (شامل نیاز به امنیت، ثبات، محبت و پذیرش)، خودگردانی،

(Standards, استحقاق (Entitlement) را ذکر می‌کند. عدم امنیت یا سلامتی در زندگی خانوادگی دوران کودکی در ارتباط با تله‌های به حال خود رها شدن و عدم اعتماد می‌باشد. تله زندگی وابستگی و آسیب‌پذیری به توانایی عملکرد مستقلانه در دنیا و نیاز به خودمختاری است. محرومیت عاطفی و کناره‌گیری اجتماعی، مربوط به شدت ارتباطات عاطفی با دیگران می‌باشد و هنگامی که نیاز تحولی ارتباط با دیگران برآورده نشود در فرد شکل می‌گیرد و دو تله‌ی نقص داشتن و شکست به عزت نفس مربوطند. انقیاد و استانداردهای غیر واقع بینانه دو تله‌ای هستند که مربوط به ابراز وجود و خود ابرازگری و توانایی برطرف کردن نیازهای واقعی می‌باشد، هم چنین تله؛ استحقاق به توانایی پذیرش محدودیت‌های واقعی زندگی و حد و مرز واقعی داشتن مربوط است [۱۷]. تله‌های زندگی به گونه‌ای فعال تجارب را سازمان می‌بخشد و به طرق آشکار و پنهان بر شیوه‌ی تفکر، رفتار و احساس تاثیر می‌گذارند. افراد با سبک‌های مقابله‌ای تسلیم، فرار و حمله‌ی متقابل با تله‌ها مقابله می‌کنند، آن‌ها قسمتی از هویت فرد را تشکیل می‌دهند و قابلیت پیش بینی و قطعیت را به فرد می‌دهند؛ زیرا آشنا و آرامش بخش هستند به همین دلیل فرد آن‌ها را رها نمی‌کند چرا که دانش ما در مورد خودمان و جهان پیرامون مان را سازمان می‌دهند. سبک‌های تعاملی ناکارآمدتر که در خانواده اصلی آموخته می‌شوند، اغلب مانع شکل‌گیری روابط صمیمی پایدار با همسر می‌گردند. شواهد بسیاری وجود دارد که از ارتباط بین تجارب منفی و آسیب‌پذیری دوران کودکی با مشکلات ارتباطی با همسر در دوران بزرگسالی حمایت می‌کند. یافته‌هایی نشان داده‌اند که ایجاد روابط صمیمانه در نوجوانی و بزرگسالی می‌تواند به واسطه رابطه فرد با خانواده اصلی‌اش ارتقا پیدا کرده و یا محدود شود. زمانی که به عنوان بزرگسال خانه را ترک می‌کنیم، موقعیت‌هایی را در زندگی بالاخص در روابط زناشویی به وجود می‌آوریم که در آن‌ها مورد بدرفتاری، خشونت، نادیده‌گرفتن، مورد تحقیر واقع شدن یا مورد کنترل قرارگرفتن‌ها، شکست در راه رسیدن به اهداف را قرار می‌گیریم [۱۷]. بدین جهت تله‌های زندگی در زمان کودکی و زمان حال در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است که آیا افراد در بزرگسالی نیز همان تله‌هایی را که در کودکی از لحاظ شناختی شکل گرفته بودند، را حفظ، تعدیل یا بهبود داده‌اند؟ آیا هنوز نیز با آن تله‌ها در بزرگسالی و رابطه با افراد (همسر) درگیر هستند؟ و طبق نظریه طرح واره محور یانگ فرض بر این است که تله‌های ذهنی، به همراه طرح‌واره‌های ناسازگار، امکان دارد در روابط زنان با همسران‌شان در شکل‌گیری روابط موثر و صمیمی مشکل ایجاد نماید. با توجه به مبانی نظری تحقیق به نظر می‌رسد عوامل ذکر شده در نارضایتی و عدم صمیمیت و انتخاب شریک زندگی نامناسب موثر باشند در همین راستا پژوهش حاضر با هدف دستیابی به یک الگوی پیش‌بینی طلاق به مقایسه حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار، سبک‌های فرزندپروری (مادر، پدر) و تله‌های زندگی (زمان کودکی، زمان حال) در زنان متأهل و مطلقه پرداخته است.

شیوه فرزندپروری گرم عاطفی را ادراک کرده بودند بیش‌تر سبک مقابله مساله‌مدار را به کار می‌بستند و زوجینی که شیوه طرد و بیش‌حمایت‌گری را درک کرده بودند سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار را استفاده می‌نمودند [۱۰] و در پژوهش دیگری نشان داده شده است که بین صمیمیت زناشویی و طرح‌واره ناسازگار رابطه معکوس وجود دارد [۱۱]. یافته‌های پژوهش یوسفی، پیش‌بینی طلاق را در رابطه زناشویی بر پایه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ویژگی‌های جمعیت شناختی تأیید نمود [۱۲]. یافته‌هایی وجود دارند که حاکی از وجود رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار و روابط والدینی است و یافته‌هایی نیز بر پیوند بین روابط خانواده و صمیمیت تأیید می‌کنند. بنابراین امکان دارد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با صمیمیت در روابط زناشویی ارتباط داشته باشند. در این زمینه به نتایج چند پژوهش اشاره می‌شود: ایجاد روابط صمیمانه در نوجوانی و بزرگسالی می‌تواند به واسطه رابطه فرد با خانواده اصلی‌اش ارتقا پیدا کرده و یا محدود شود [۱۳]. رابطه مادر- فرزند به صورت مثبت و انطباق پذیر خانواده، با روابط صمیمانه در دوران بزرگسالی مرتبط است. سبک‌های تعاملی ناکارآمدتر که در خانواده اصلی آموخته می‌شوند، اغلب مانع شکل‌گیری روابط صمیمی پایدار با همسر می‌گردند [۱۴].

شواهد مفصلی وجود دارد که از ارتباط بین تجارب منفی و آسیب‌پذیری دوران کودکی با مشکلات ارتباطی با همسر در دوران بزرگسالی حمایت می‌کند. در پیشینه پژوهشی به عواملی مثل بد رفتاری جنسی و خشونت زناشویی در سال‌های اول زندگی اشاره شده است [۱۵]. این باورها و طرح‌واره‌های مربوط به روابط میان فردی در بزرگسالی در همسرگزینی و روابط زناشویی نمود می‌یابند و بر آن تاثیر زیان‌بار می‌گذارند [۱۶]. لازم به ذکر می‌باشد تاکنون پژوهشی در ارتباط با نقش پدر و مادر در شکل‌گیری طرح‌واره‌های زنان مطلقه و متأهل در ایران صورت نگرفته است و در مرور ادبیات پژوهش معمولاً نقش مادر به طور جداگانه در سبک فرزندپروری مورد بررسی قرار گرفته است، از این رو به نظر می‌رسد ضروری است نقش والدین در شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار به صورت جداگانه مطالعه گردد. باز این رو دلیل در این پژوهش به نقش والدین پرداخته شده است.

از سوی دیگر مطابق نظریه یانگ، تله‌های زندگی، الگوهایی در زندگی هستند که از طریق تعامل خلق و خوی فرد با تجربیات منفی و مداوم در دوران کودکی شکل می‌گیرند و تاثیر عاطفی متقابل افراد در روابط صمیمانه را در بزرگسالی تحت تاثیر قرار می‌دهند. یانگ یازده تله زندگی، به حال خود رهاشدن (Abandonment)، عدم اعتماد و مورد آزار قرارگرفتن (Mistrust and Abuse)، محرومیت عاطفی (Emotional Deprivation)، کناره‌گیری اجتماعی (Social Exclusion)، وابستگی (Dependence)، آسیب‌پذیری (Vulnerability)، نقص (Defectiveness)، شکست (Failure)، انقیاد (Subjugation)، استانداردهای غیرواقع بینانه (Unrelenting)

شایان ذکر است که با نگاهی به آمار روز افزون طلاق اجرای این گونه تحقیقات از اهمیت خاصی برخوردار است و نتایج به دست آمده می‌تواند راهکارهای درست را به روانشناسان و مشاوران ارائه دهد.

روش

این تحقیق از لحاظ هدف، پژوهش کاربردی می‌باشد و از نظر روش‌شناسی از نوع تحلیلی و علی-مقایسه‌ای می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان متأهل و مطلقه دارای سنین ۱۸-۵۰ سال شهر تهران تشکیل دادند. نمونه پژوهش شامل دو گروه و مجموعاً ۳۵۰ نفر، ۱۴۸ نفر زن مطلقه به روش نمونه‌گیری در دسترس به صورت چند مرحله‌ای ۲۰۲ نفر زن متأهل به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، با دارا بودن شرایط ورود به پژوهش انتخاب شدند. انتخاب زنان مطلقه، به روش نمونه‌گیری در دسترس به صورت چند مرحله‌ای انجام شد. ابتدا با مراجعه‌های مکرر در فاصله زمانی ۴ ماه، از مرداد ماه تا آبان ماه ۱۳۹۱ به مجتمع قضایی خانواده شماره دو تهران انجام گردید. پس از درج آگهی در تابلوی اعلانات و همکاری مسئولین مربوطه، افرادی که شرایط ورود به پژوهش را داشتند و مایل به همکاری بودند انتخاب شدند لازم به ذکر است که زنان مذکور طلاق‌شان ثبت شده بود. نمونه‌گیری زنان عادی (متأهل) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انجام شد. برای انتخاب نمونه عادی پس از تقسیم شهر تهران به ۵ حیطه جغرافیایی (شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق) از هر حیطه ۱ منطقه و از هر منطقه یک مدرسه دخترانه به طور تصادفی انتخاب و از هر پایه تحصیلی ۱۰ مادر از دانش‌آموزانی که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مشغول تحصیل بودند به طور تصادفی انتخاب گردید و با مراجعه به دفتر مشاوره مدارس و آشنا کردن آن‌ها با اهداف پژوهش و موافقت مسئولین جهت بررسی پرونده‌های دانش‌آموزان، از میان زنانی که دارای سوابق اختلاف زناشویی و متارکه نبودند و سابقه مراجعه به دادگاه نداشتند و در تاریخ ذکر شده در تهران ساکن بودند فهرستی که از نظر سن، دامنه تحصیلی و منطقه زندگی (برای کنترل طبقه اجتماعی، وضعیت اقتصادی و فرهنگ حاکم بر روابط زناشویی) با گروه طلاق هم‌تا شدند، تهیه شد. بخشی از اطلاعات مورد نیاز از پرونده تربیتی مشاوره‌ای دانش‌آموز در مدرسه گردآوری شد. در پرونده دانش‌آموز، اختلافات، مشکلات خانوادگی و متارکه والدین در آغاز هر سال تحصیلی به صورت مصاحبه با دانش‌آموز توسط مشاور مدرسه یادداشت می‌شود و جمعیتی که مشکلات خانوادگی در پرونده آن‌ها یادداشت نشده بود انتخاب شده و هنگام فرستادن پرسشنامه، یادآوری شد که والدینی که دارای مشکلات خانوادگی هستند و یا به تازگی متارکه و به دادگاه مراجعه کردند، از تکمیل پرسشنامه خودداری کنند. با توجه به نسبت نمونه از میان زنان عادی متأهل، ۲۰۲ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌ها توسط دانش‌آموزان برای‌شان فرستاده شد. البته به کمک یک نامه پیوست جهت آگاه شدن آن‌ها از پنهان ماندن هویت پاسخ دهندگان، ذکر این مطلب که اطلاعات برای

هدف‌های پژوهشی گردآوری می‌شوند معیارهای ورود زنان متأهل شامل: مؤنث بودن، تکمیل رضایت‌نامه کتبی برای شرکت در پژوهش، داشتن سن در محدوده ۱۸ تا ۵۰ سال، ساکن شهر تهران، نداشتن سابقه مراجعه به دادگستری جهت طلاق؛ معیارهای ورود برای زنان مطلقه: مؤنث بودن، تکمیل رضایت‌نامه کتبی برای شرکت در پژوهش، داشتن سن در محدوده ۱۸ تا ۵۰ سال، ساکن شهر تهران، نداشتن سابقه مراجعه به دادگستری جهت طلاق، سطح تحصیلات حداقل دبیرستان، طول مدت ازدواج بالاتر از دو سال. معیارهای خروج برای هر دو گروه: مذکر بودن، وجود اختلال روان‌شناختی یا سابقه بیماری روانی و بستری شدن (بر اساس خودگزارش دهی)، مصرف دارو، مواد مخدر و الکل (به منظور تقلیل اثرات عوامل مداخله‌گر مصرف دارو، مواد مخدر و الکل حتی به صورت تفننی، بر اساس خودگزارش دهی) و عدم تکمیل رضایت‌نامه کتبی برای شرکت در پژوهش بود. دو گروه آزمودنی به وسیله ی سه پرسشنامه و اطلاعات خانوادگی مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفتند. این آزمون‌ها عبارتند از:

پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (EMSS): ویرایش سوم این مقیاس توسط یانگ (۱۹۹۰) ساخته شد و دارای ۹۰ ماده است که ۱۸ طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در پنج حیطه را اندازه می‌گیرد. این مقیاس را برای گروه سنی ۱۲ سال به بعد می‌توان به کار برد. هر ماده به کمک مقیاس درجه‌بندی شش‌گزینه‌ای نمره گذاری می‌شود (۱= کاملاً در مورد من نادرست است، تا ۶= کاملاً در مورد من درست است). نمره‌های این مقیاس با جمع نمرات ماده‌های هر زیر مقیاس به دست می‌آید. کمینه و بیشینه نمره‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بین یک تا شش می‌باشد، که نمره بالا نشان دهنده میزان بالای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در آزمودنی هاست. اعتبار این پرسشنامه را به روش همسانی درونی و بازآزمایی بر روی یک نمونه ۵۶۴ نفری از دانشجویان آمریکایی به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۸۱ گزارش کردند. روایی همگرای پرسشنامه که با ابزارهای اندازه‌گیری درماندگی روان‌شناختی، اعتماد به نفس، آسیب‌پذیری شناختی برای نشانگان اختلال افسردگی و علائم اختلال شخصیت بررسی گردید، نشان داد که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ارتباط منفی با ویژگی‌های مثبت مانند اعتماد به نفس، عاطفه مثبت و ارتباط مثبت با صفاتی هم چون اختلال شخصیت، درماندگی، عاطفه منفی و اختلال عملکرد و نگرش داشتند [۱۸]. همچنین در ایران روایی و اعتبار پرسش‌نامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را بر روی یک نمونه ۵۷۹ نفری در دو مرحله (مرحله اول ۳۹۴ نفر و مرحله دوم ۱۸۵ نفر) بررسی نمودند و اعتبار آن را به روش آلفای کرونباخ و دو نیمه‌کردن در کل نمونه به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۶، در دختران ۰/۸۷ و ۰/۸۴ و در پسران ۰/۸۴ و ۰/۸۱ گزارش نمودند. آنان میزان آلفای کرونباخ را برای همه عامل‌ها بالاتر از ۰/۸۱ و برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۱ به دست آوردند. بالاترین میزان آلفای کرونباخ مربوط به عامل انزوای اجتماعی/ بیگانگی آلفا ۰/۹۱ و پایین‌ترین میزان مربوط به عامل

فرم مادر ضریب اعتبار ۰/۶۹ و برای فرم پدر ضریب اعتبار ۰/۸۰ به دست آمد [۲۰].

پرسشنامه تله‌های زندگی: این پرسشنامه توسط یانگ و کلسکو جهت به دست آوردن اطلاعات بیش‌تری درباره طرح واره‌ها و ارتباطات بین فردی در انتخاب همسر تهیه شده است. این پرسشنامه ۲۲ آیتم دارد که در آن پاسخ دهنده به طور جداگانه دو ردیف سوالات را با توجه به بعد زمانی گذشته، زمانی که کودک بوده است و در حال حاضر، در یک مقیاس شش درجه‌ای رتبه‌بندی می‌کند. این پرسشنامه جهت دریافتن این که افراد در کدام تله‌های زندگی اسیر هستند، یاری می‌دهد. هر ماده به کمک مقیاس درجه‌بندی شش‌گزینه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (۱ = کاملاً در مورد من نادرست است، تا ۶ = کاملاً درباره من درست است). کمینه و بیشینه نمره‌های تله‌های زندگی بین یک تا شش می‌باشد، که نمره بالا نشان دهنده میزان بالای تله‌های زندگی در آزمودنی‌هاست [۱۷]. فرم اصلی پرسشنامه تله‌های زندگی توسط فتی ترجمه شده و برای بررسی همسانی درونی این پرسشنامه توسط پژوهشگر در یک نمونه ۳۵۰ نفری اجرا شد. آلفای کرونباخ برای کل آیتم‌های پرسشنامه، ۰/۹۲۸ (M=۳/۰۱۷، S²=۲/۹۳۲) به دست آمد. همچنین آلفای کرونباخ برای گویه‌های مربوط به دوران کودکی، ۰/۹۲۱ (M=۳/۱۱۴، S²=۳/۱۶۶) و برای گویه‌های مربوط به زمان حال آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱۵ (M=۲/۹۴۱، S²=۲/۶۸۳) به دست آمده است [۲۱].

یافته‌ها

نتایج تحلیل توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی سن، وضعیت تأهل و شغل در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. ویژگی‌های توصیفی آزمودنی‌ها به تفکیک گروه (n=۲۵۰)

گروه	تعداد	خانه دار	کارمند	زیردیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس
متاهل	۲۰۲	۷۲	۷۹	۳	۷۹	۱۶	۱۰۱	۱۴
مطلقه	۱۴۸	۱۳۰	۶۹	۲	۶۹	۱۴	۳۸	۱۰
کل	۳۵۰	۲۰۲	۱۴۸	۵	۱۴۸	۳۰	۱۳۹	۲۴

روی حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار نشان داد که بین گروه‌های مورد پژوهش از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معنادار وجود دارد (P≤۰/۰۰۰۱).

به منظور تشخیص این که در کدامیک از متغیرها تفاوت وجود دارد از تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است.

خویش‌داری ناکافی/ خود انضباطی آلفا به دست آمد. روایی همگرایی نمرات کل پرسش‌نامه با ابزارهای اندازه‌گیری درماندگی روان‌شناختی، عاطفه مثبت و عاطفه منفی، اعتماد به نفس، آسیب‌پذیری شناختی برای افسردگی، علائم اختلال شخصیت و پرسش‌نامه چک لیست ۹۰ سوالی بررسی شد و همبستگی برای شش ملاک یاد شده به ترتیب ۰/۳۷، ۰/۳۴، ۰/۴۰، ۰/۳۹، ۰/۳۵، ۰/۳۶ و ۰/۳۸ گزارش شد [۱۹].

پرسشنامه فرزندپروری یانگ (YPI): پرسشنامه سبک فرزندپروری یانگ توسط یانگ و همکاران در سال ۱۹۹۳ جهت شناخت ریشه‌های تحوّل طرح‌واره‌ها ساخته شده است آیتم‌های این پرسشنامه نیز بر اساس طرح‌واره‌ها، گروه‌بندی شده‌اند. در این پژوهش جهت اندازه‌گیری ریشه‌های والدینی زنان (مادر، پدر) به کار رفته است. این پرسشنامه ۷۲ آیتم دارد که در آن پاسخ دهنده پدر و مادر خود را به طور جداگانه، براساس نوع رفتاری که با وی داشته‌اند، در یک مقیاس شش درجه‌ای رتبه‌بندی می‌کند. تمام سوال‌هایی که برای هر یک از والدین نمره ۵ یا ۶ داده شده مشخص می‌شود زیرا فرض بر این است که نمرات ۵ یا ۶ را می‌توان به احتمال قوی از نظر بالینی به عنوان نقطه برش ریشه‌های تحوّل یک طرح‌واره خاص در نظر گرفت. تنها مورد استثناء سوالات ۱ تا ۵ است که ریشه‌های تحوّل طرح‌واره محرومیت هیجانی را می‌سنجند و نمره‌گذاری آن برعکس است. در این مورد، نمره پایین نشان‌دهنده ریشه‌های والدینی طرح‌واره محرومیت هیجانی است. در این پرسشنامه برخلاف پرسشنامه طرح‌واره، اگر فقط یکی از سوالات مربوط به طرح‌واره، نمره بالایی داشته باشد، می‌توان آن سوال را معتبر دانست خصیصه‌های روان‌سنجی پس از تحلیل عاملی، آلفای کرونباخ با دامنه ۰/۹۱، ۰/۷ را نشان داد. هم چنین، نتایج بازآزمایی بیانگر اعتبار بالا بود و اعتبار سازه در حد قابل قبولی بود [۱۸]. در ایران فرم اصلی این پرسشنامه توسط صلواتی ترجمه شده و سپس در ۶۰ دانشجوی ایرانی اجرا گردیده است. با استفاده از روش دو نیمه سازی، برای

برای بررسی این که آیا بین گروه مطلقه و متاهل در حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری تفاوت معنادار وجود دارد یا خیر از تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده شد. نتایج شاخص‌های تحلیل واریانس چند متغیره (اثر بیلابی، لامبدای ویلکز، اثر هوتلینگ و بزرگترین ریشه‌ری) بر

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس یک راهه در متن MANOVA بر روی حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار در گروه‌های مورد پژوهش

حوزه‌ها	مجموع مجنورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بریدگی / طرد	بین گروه خطا	۱ ۳۴۸	۱۹۴۰۰/۱۴ ۱۵۹۵/۴۹	۱۲/۱۶	۰/۰۰۱	۰/۰۳۴
خودگردانی و عملکرد مختل	بین گروه خطا	۱ ۳۴۸	۱۴۶۱۶/۱۳ ۲۶۳/۲۲	۵۵/۵۳	۰/۰۰۰۱	۰/۱۳۸
محدودیت‌های مختل	بین گروه خطا	۱ ۳۴۸	۴۹/۷۴ ۷۵/۷۶	۰/۶۶	۰/۴۱۸	۰/۰۰۲
دیگرجهت‌مندی	بین گروه خطا	۱ ۳۴۸	۱۶۱۶/۳۷ ۴۳۱۵۹/۳۵	۱۳/۰۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۳۶
گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	بین گروه خطا	۱ ۳۴۸	۹۹۹۷/۱۰ ۲۰۵/۸۲	۴۸/۵۷	۰/۰۰۰۱	۰/۱۲۲

p < ۰/۰۵

برای بررسی این که آیا بین گروه مطلقه و متاهل در سبک‌های فرزندپروری (پدر، مادر) تفاوت معنادار وجود دارد یا خیر از تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده شد. نتایج شاخص‌های تحلیل واریانس چند متغیری (اثر بیلابیلی، لامبدای ویلکز، اثر هوتلینگ و بزرگترین ریشه‌ری) بر روی سبک‌های فرزندپروری (پدر، مادر) نشان داد که بین گروه‌های مورد پژوهش از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معنادار وجود دارد (p < ۰/۰۰۰۱). به منظور تشخیص این که در کدامیک از متغیرها تفاوت وجود دارد از تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه گردیده است.

با نتایجی که برای حوزه بریدگی/طرد (F=۱۲/۱۶، p < ۰/۰۰۱) ، حوزه خودگردانی و عملکرد مختل (F=۵۵/۵۳، p < ۰/۰۰۰۱) ، حوزه محدودیت‌های مختل (F=۰/۶۶، p < ۰/۴۱۸) ، حوزه دیگرجهت‌مندی (F=۱۳/۰۳، p < ۰/۰۰۰۱) ، حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری (F=۴۸/۵۷، p < ۰/۰۰۰۱) به دست آمد، می‌توان بیان کرد که میانگین حوزه بریدگی/طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگرجهت‌مندی و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، به صورت معناداری در زنان مطلقه بیشتر از زنان متاهل است اما بین گروه‌های مورد پژوهش در میانگین حوزه محدودیت‌های مختل تفاوت معناداری مشاهده نشد.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس یک راهه در متن MANOVA بر روی سبک‌های فرزندپروری در گروه‌های مورد پژوهش

حوزه‌ها	مجموع مجنورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
شیوه فرزندپروری پدر	بین گروه خطا	۱ ۳۴۸	۶۷۳۲۷/۵۲ ۱۴۴۵/۳۶	۴۶/۵۸	۰/۰۰۰۱	۰/۱۱۸
شیوه فرزندپروری مادر	بین گروه خطا	۱ ۳۴۸	۴۶۸۵۱/۴۹ ۱۳۲۰/۸۹	۳۵/۴۷	۰/۰۰۰۱	۰/۰۹۳

p < ۰/۰۵

متغیره (مانوا) استفاده شد. نتایج شاخص‌های تحلیل واریانس چند متغیری (اثر بیلابیلی، لامبدای ویلکز، اثر هوتلینگ و بزرگترین ریشه‌ری) بر روی تله‌های زندگی نشان داد که بین گروه‌های مورد پژوهش از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معنادار وجود دارد (p < ۰/۰۰۰۱). به منظور تشخیص این که در کدامیک از متغیرها تفاوت وجود دارد از تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۴ ارائه گردیده است.

با نتایجی که برای شیوه فرزند پروری پدر (F=۴۶/۵۸، p < ۰/۰۰۰۱) ، شیوه فرزند پروری مادر (F=۳۵/۴۷، p < ۰/۰۰۰۱) به دست آمد، می‌توان بیان کرد که میانگین شیوه فرزندپروری پدر و مادر به صورت معناداری در زنان مطلقه بیشتر از زنان متاهل است.

برای بررسی این که آیا بین گروه مطلقه و متاهل در تله‌های زندگی زمان کودکی و تله‌های زندگی زمان حال تفاوت معنادار وجود دارد یا خیر از تحلیل واریانس چند

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس یک راهه در متن MANOVA بر روی تله‌های زندگی زمان کودکی و زمان حال در گروه‌های مورد پژوهش

حوزه‌ها	مجموع مجنورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجنورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
تله‌های زندگی زمان کودکی	بین گروه خطا	۱ ۳۴۸	۲۰۰۹۶/۷۸ ۵۵۳/۲۱	۲۶/۳۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۹۵
تله‌های زندگی زمان حال	بین گروه خطا	۱ ۳۴۸	۹۲۹۳/۶۸ ۲۳۹/۲۲	۳۸/۸۵	۰/۰۰۰۱	۰/۱۰۰

p < ۰/۰۵

مندی، گوش به زنگی بیش از حد/بازداری، محدودیت‌های مختل) به عنوان متغیرهای پیش‌بین انجام شد که در مجموع ۳۵۰ نفر در تحلیل وارد شدند. نتایج تابع تک‌تک‌تشخیصی (یک عاملی) بیانگر آن است که مقدار تابع در زنان متأهل و مطلقه تفاوت معناداری دارد ($F=۸۳/۸۶۶$ ، $df=۵$ ، $p < ۰/۰۰۰۵$). همچنین نتایج جدول ماتریس ساختار، مقیاس متفاوتی از میزان کمک هر کدام از متغیرها به تابع تشخیص ارائه می‌دهد که نتایج بیانگر آن است که طرح واره‌های ناسازگار اولیه خودگردانی و عملکرد مختل و گوش به زنگی بیش از حد/بازداری بهترین پیش‌بینی‌کننده برای وضعیت متأهل یا مطلقه بودن هستند.

با نتایجی که برای تله‌های زندگی زمان کودکی ($F=۳۶/۳۳$)، تله‌های زندگی زمان حال ($F=۳۸/۸۵$)، $(p \leq ۰/۰۰۰۱)$ به دست آمد، می‌توان بیان کرد که میانگین تله‌های زندگی زمان کودکی و زمان حال به صورت معناداری در زنان مطلقه بیش‌تر از زنان متأهل است. همچنین برای تعیین اینکه کدام طرح واره پیش‌بینی‌کننده بهتری برای وضعیت تأهل و مطلقه است؛ با توجه به رعایت مفروضه‌ها از تحلیل تشخیص استفاده شد. تحلیل تشخیص بر اساس متأهل مطلقه بودن به عنوان متغیر وابسته و طرح واره‌های ناسازگار اولیه (حوزه بریدگی/طرده، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت

جدول ۵. جدول ماتریس ساختار

عملکرد		حوزه خودگردانی و عملکرد مختل	
محدودیت‌های مختل	گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	۰/۷۶۲	۰/۷۱۳
۰/۰۸۳	دیگر جهت مندی	۰/۳۶۹	۰/۳۵۷
	بریدگی/ طرد		۰/۰۸۳

بحث

محرومیت عاطفی، چنین می‌اندیشد که نیازهای او به حمایت عاطفی، از سوی همسرش به اندازه کافی برآورده نمی‌شوند و از نظر هیجانی با محرومیت مواجه شده و به قدر کافی محبت، صمیمیت و توجه دریافت نکرده‌اند. فرد با طرح‌واره ناسازگار نقص/ شرم در روابط زناشویی خود را انسانی ناقص، ناخواسته، بد و بی ارزش می‌پندارد یا این که از نظر شریک زندگی‌اش، فردی منفور و ناخواستنی به شمار می‌رود. زنان دارای طرح‌واره ناسازگار انزوای اجتماعی/بیگانگی، احساس می‌کند که باید از دیگران کناره‌گیری کند زیرا با آن‌ها متفاوت هستند، به فرد خاصی تعلق خاطر ندارد و از این رو از همسر و خانواده بریده می‌شوند. تحقیقات انجام شده در داخل و سایر نقاط دنیا حاکی از آن هستند که ارتباط بین طرح واره‌های ناسازگار و اثر منفی بر رضایت زناشویی [۱۳، ۲۴، ۲۵]، ارتباط طرح‌واره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل شامل طرح‌واره‌های شکست، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری، وابستگی/ بی‌کفایتی، خودتحوّل نیافته/گرفتار با انتظارات فرد از خودش و محیط در مورد امکان جدا شدن، مستقل شدن، بقاء و عملکرد موفقیت‌آمیز است که با اعتماد، قابل پیش‌بینی بودن شریک زندگی (زنان) [۲۶، ۲۵، ۲۷] و صمیمیت زناشویی [۱۱، ۲۸] هماهنگ است.

طبق نظریه یانگ، افراد (زنان) دارای طرح‌واره وابستگی/ بی‌کفایتی با کمک خواهی افراطی، با چک کردن تصمیم‌ها با دیگران و انتخاب همسری که بیش از حد حمایت‌کننده باشد در تصمیم‌گیری‌های زندگی زناشویی با اهمالکاری، از مسئولیت‌های معمول دوران بزرگسالی اجتناب می‌کنند و یا به طور افراطی بر خود اتکائی تأکید می‌کنند؛ حتی زمانی که کمک خواستن از همسر امری طبیعی و منطقی است. آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری را با ترس افراطی از نزدیک بودن فاجعه (طرد از سوی همسر)، ابراز نگرانی مداوم، نشان می‌دهد و بر این باورند که توان جلوگیری از آن را ندارند و با به کارگیری تفکر جادویی و آئین‌مندی‌های وسواسی پاسخ

یافته‌های این پژوهش فرضیه تفاوت طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در حوزه‌های طرد/بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، سبک‌های فرزند پروری (پدر، مادر) به عنوان ریشه‌های تحولی طرح‌واره‌ها و تله‌های زندگی (زمان حال و گذشته) را در دو گروه زنان متأهل و مطلقه تایید نمود. این یافته با مبانی نظریه بحران، نظریه شناختی، نظریه طرح‌واره و برخی پژوهش‌های انجام شده مبنی بر این که همسرانی که دارای طرح‌واره ناسازگار هستند، احتمال از هم پاشیدگی و جدایی در آن‌ها بسیار زیاد است، هماهنگ است [۲۲]. برای تبیین می‌توان گفت چون طرح‌واره‌های ناسازگار موجب سوگیری‌هایی در تفسیر رویدادها می‌شوند، این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی به صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه در زنان پدید می‌آورد و این سوء برداشت، بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی (زندگی مشترک) تاثیر می‌گذارد؛ زیرا طرح‌واره‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند و بر چگونگی رابطه فرد با خود و دیگران (به‌ویژه شریک زندگی) تاثیر دارند. از آن جا که طرح‌واره‌های ناسازگار، ناکارآمد هستند، ناخشنودی در روابط زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی فراهم می‌کنند. زنان با طرح‌واره ناسازگار رهاشدگی، فکر می‌کنند هر لحظه امکان دارد، شریک زندگی‌اش او را رها کند و به فرد دیگری علاقمند شود. این افراد وابستگی افراطی به افراد مهم زندگی (همسر) دارند و همسر و دوستانی انتخاب می‌کنند که در دسترس نیستند و رفتارشان قابل پیش‌بینی نباشد. زنان دارای طرح‌واره بی‌اعتمادی/ بدرفتاری معمولاً همسری غیرقابل اعتماد را انتخاب و یا از روابط نزدیک در حوزه شخصی و شغلی دوری می‌کند همچنین با بی‌حرمتی یا سوء استفاده از دیگران؛ یا اعتماد کامل به دیگران، به صورت جبرانی به این طرح‌واره پاسخ و آن را تقویت می‌نماید. زنان با طرح واره ناسازگار

از سویی دیگر، بک برای تبیین شخصیت از دیدگاه شناختی، مدل خاصی از طرح‌واره‌ها تدوین کرد و شخصیت خودشیفته (Narcissistic Personality) را به طرح‌واره‌های استحقاق و منزلت ویژه ربط داد. نظریه پردازان شناختی- رفتاری معتقدند که افراد مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته در مورد خودشان عقاید ناسازگارانه‌ای دارند. از جمله این که معتقدند آدم‌های استثنایی هستند که باید بهتر از آدم‌های معمولی با آن‌ها برخورد شود. آن‌ها احساسات دیگران را درک نمی‌کنند یا اهمیتی به آن‌ها نمی‌دهند [۲۴]؛ در نتیجه زنان دارای این طرح‌واره امکان دارد در ارتباطات با همسر و اعضای خانواده دچار مشکلات جدی شوند. همچنین طبق پژوهش آرتی و بمپورد می‌توان نتیجه گرفت که زنان دارای طرح‌واره خود انضباطی ناکافی احتمال دارد دارای اختلالات شخصیت نمایشی و خودشیفته باشند ولی به دلیل این که در پژوهش از پرسشنامه‌های تشخیصی این اختلال استفاده نگردیده است می‌بایست با احتیاط تفسیر نمود [۳۰]. با توجه به نظریه یانگ و همکاران [۷] می‌توان عنوان کرد که زنان دارای طرح‌واره ناسازگار اطاعت، برای پرهیز از خشم، محرومیت، یا انتقام، کنترل خود را به صورت افراطی به دیگری که معمولاً همسر است، واگذار می‌کنند. این رفتارها موجب کناره‌گیری از همسر و پیداشدن شکاف بیشتر میان آن‌ها می‌گردد. مطابق نظریه طرح‌واره محور یانگ، زنانی که دارای طرح‌واره اطاعت، پذیرش جویی و جلب توجه می‌باشند معمولاً با نارزنده‌سازی و قیحانه افراد مورد تحسین همسرشان، به این طرح‌واره‌ها پاسخ می‌دهند که باعث اختلاف در بین زنان و همسرشان خواهد بود. با توجه به پژوهش‌ها مبنی بر رابطه معنادار بین طلاق و اختلاف زوجین با افسردگی و اعتماد به نفس پایین، اختلال کارکرد نگرشی، عاطفه منفی، فوبیا و اضطراب و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، می‌توان نتیجه گرفت که ذهنیت‌های شناختی منبع تولید آن‌ها، پیامد منفی بر رضایت زنان در ازدواج دارد و منجر به از هم پاشیدگی خانوادگی و طلاق می‌شود [۲۴، ۳۵]. از سویی برآورده نشدن نیازهای هیجانی اساسی، تجارب اولیه زندگی و خلق و خوی هیجانی دوران کودکی نقش اساسی در شکل‌گیری طرح‌واره‌ها دارند تعاملات ناکارآمد والدین، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای برخی حیطه‌های طرح‌واره‌ها و روابط بین فردی در آینده افراد دارد. تحقیقات بی شماری به تاثیر مستقیم و غیر مستقیم تجربیات منفی، ادراک سبک‌های والدینی بر شکل‌گیری طرح‌واره‌ها تاکید داشتند [۲۳]. همچنین اضطراب دوره کودکی توسط طرح‌واره‌های شکست، آسیب‌پذیری، تنهایی و انزوا و سلطه‌پذیری کودکان پیش‌بینی می‌شود [۲۳، ۲۹] و در نتیجه زنان دارای این طرح‌واره‌ها در زندگی مشترک و انتخاب همسر، دارای مشکلات خواهند بود. از سوئی زنانی که در تله‌های زندگی اسیر می‌باشند معمولاً با سه ساز و کار؛ تحریف‌های شناختی، الگوهای خود آسیب‌رسان و سبک‌های مقابله‌ای با آن‌ها مقابله می‌نمایند و در نتیجه باعث تداوم آن‌ها می‌شوند. مطابق نظر یانگ، زمانی که تله ای فعال می‌شود فرد معمولاً سطح بالائی از عواطف نظیر خشم شدید، اضطراب، غم یا

می‌دهند [۲۳]، همچنین به دلیل ترس از ترک همسر یا نماد والدینی که کنترل‌گر، محروم‌کننده و بدرفتار هستند، دچار افسردگی خواهند شد. زنان با طرح‌واره ناسازگار گرفتار / خودتحوّل نیافته، در دام ارتباط هیجانی شدید و نزدیک بیش از اندازه با یکی از افراد مهم زندگی (بیش‌تر والدین یا فرد خارج از روابط زناشویی) می‌افتند و این روابط به بهای از دست‌دادن فردیت و حتی فرزند و همسر و خیانت زناشویی می‌گردد [۷، ۲۹]. بررسی‌ها نشان دادند که افراد (زنان) دارای طرح‌واره گرفتار، بر این باورند که بدون حمایت دیگری، توان ادامه زندگی را ندارند یا نمی‌توانند شاد باشند. این طرح‌واره بیشتر به صورت احساس پوچی و سردرگمی بروز پیدا می‌کند و پیش‌بین نیرومندی برای بدبینی، افسردگی، ناامیدی و اضطراب در میان زنان می‌باشند و موجب درگیری زنان با همسران شان می‌باشد [۳۰، ۳۱]. دلیل عدم تفاوت بین دو گروه در حوزه محدودیت‌های مختل، مطابق نظریه طرح‌واره محور یانگ و کلوکسو و ویشر [۷] افراد (زنان) دارای طرح‌واره استحقاق در پذیرش نگرش فلسفی اصل احترام متقابل در روابط انسانی، برابری و حقوق یکسان دچار مشکل می‌باشند این رفتارها را می‌توان در سبک فرزندپروری سهل‌گیر و آسان جامعه ایران مشاهده کنیم که یکی از ریشه تحوّل شکل‌گیری طرح‌واره‌های این حوزه، سبک فرزندپروری آسان‌گیر به صورت افراطی می‌باشد. بدین معنا که والدین این افراد (زنان) در دوران کودکی به آن‌ها اجازه داده بودند بدون در نظر گرفتن نیازهای دیگران هر کاری که می‌خواهند انجام دهند. از سویی دیگر پژوهش‌ها نشان دادند که شیوه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در خانواده‌هایی که والدین دارای تحصیلات بالاتر بوده، بیشتر از خانواده‌هایی با والدین با تحصیلات پایین‌تر دیده شده است [۳۲] و قابل ذکر است که در پژوهش حاضر زنان مورد مطالعه دارای تحصیلات بالا در هر دو گروه تفاوت می‌دادند و احتمالاً امکان دارد بدین دلیل در هر دو گروه تفاوت دیده نشده است. از آنجا که آسیب‌شناسی روانی فرد می‌تواند، بازتاب طرح‌واره‌های ناسالم و رواتزند باشد. بنابراین طرح‌واره‌های منفی و ناسازگار که عمدتاً در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می‌گیرند به عنوان هسته باورهای اصلی تا بزرگسالی حفظ می‌شوند زیرا طرح‌واره‌ها فراتر از یک فکر، بلکه آینده‌ای از فکر و احساس و عمل هستند و به شکلی پویا علاوه بر طرح عمل بودن انسان را نیز طراحی می‌کنند و بدلیل آن که خاصیت تکراری بودن را دارا هستند سبب می‌شوند فرد نسبت به آن‌ها خیلی آگاهانه عمل نکند و خاصیت اولیه بودن آن‌ها باعث می‌شود که خود تقویت‌گر باشند و این خود تقویت‌گری به آن‌ها قدرت و ثبات داده و با توجه به این که، عنصر آگاهی خیلی در آن‌ها دخالت ندارند، نسبت به تغییر مقاوم باشند [۳۳]. به همین دلیل می‌توان انتظار داشت تلاش زنان برای حفظ طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه خود، موجب بروز اختلاف زناشویی شود و در صورت عدم مداخله مشاوره‌ای به موقع موجب طلاق و جدایی شود و احتمال ریسک بالای ابتلا به اختلالات شخصیتی و منشی را افزایش دهد.

و چنانچه این نیازها در زندگی مشترک برآورده نشود موجب احساس ناامیدی در روابط و شکست نهایی شود بسیار ضروری است که زنان بتوانند برای تشکیل خانواده تصمیم موفق و کارآمدی بگیرند همین تصمیم در آینده، زندگی خانوادگی موفق یا ناموفق انسان را ترسیم می‌کند. همچنین سلامت جامعه و خانواده در گرو رضایت افراد از ازدواج‌شان است [۱۱، ۲۸]. یکی از محدودیت‌های تحقیق، روش پس‌رویدادی است که امکان دستکاری متغیر مستقل از محقق سلب شده است بنابراین نمی‌توان نتایج حاصل از بررسی متغیر مستقل و وابسته را قطعی تلقی کرد. در ضمن در این مطالعه فقط زنان مورد بررسی قرار گرفتند و پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده زوجین با متغیرهای مذکور در این پژوهش بعلاوه متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز بررسی گردند.

نتیجه‌گیری

از نتایج این پژوهش می‌توان استنتاج کرد که طرح‌واره‌های ناسازگار، سبک‌های فرزندپروری (ریشه‌های والدینی طرح‌واره‌ها)، که شکل دهنده طرح‌واره‌های ناسازگار زنان بودند، همچنین تله‌های زندگی زمان کودکی و زمان حال زنان می‌توانند در روابط بین فردی بالاخص انتخاب شریک زندگی، سبک‌های مقابله با همسر و روابط کارآمد در خانواده مؤثر باشند.

تشکر و قدردانی: با تشکر از تمام زنانی که صادقانه پاسخگوی سوال‌ها بودند و با سپاس از کارمندان آموزش و پرورش و مجتمع قضایی خانواده که نهایت همکاری را در انجام پژوهش داشته‌اند، همچنین تمام اساتیدی بزرگواری که عاشقانه به من آموختند.

منابع

1. Johnos SM, Whiffen VE. Attachment processes in couple and family therapy: Guilford Press; 2003.
2. Larson JH, Holman TB. Predictors of marital qualify and stability. *Fam Relations*. 1994; 43(2):228-37.
3. Young JE, Long L. Counseling and therapy for couples: Thomson Brooks/Cole Publishing Co.; 1998.
4. Cooper C. Men and divorce. In G. R. Books & G.E. Good (Eds.), *The new handbook of psychotherapy and counseling with comprehensive guide to setting, problems, and treatment approaches*. California: Jossey-Francisco; 2001
5. Pascal A, Christine A, Jean L. Development and validation of the cognitive inventory of subjective distress. *Int J Geriatr Psychiatr*. 2008; 23(11):1175-81.
6. Gunty AL, Buri JR. Parental practices and the development of maladaptive schemas. *Online Submission*; 2008.
7. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy. A practitioner's guide: Guilford Press; 2003.
8. Freeman N. Constructive thinking and early maladaptive schemas as predictors of interpersonal

احساس گناه را تجربه می‌کند که از طریق تداوم یا اجتناب در سطح شناختی، رفتاری، عاطفی به آن‌ها کنش نشان می‌دهد [۱۷].

در تحریف‌های شناختی با سوءتعبیر موقعیت‌ها، تحریف اطلاعات ناهمخوان با طرح‌واره و نادیده‌گرفتن اطلاعات ناهمخوان با طرح‌واره، به‌گونه‌ای باعث تقویت آن می‌شود. از نظر عاطفی، با بلوکه کردن هیجان‌های مرتبط با آن باعث می‌شود تله به سطح آگاهی نرسد، لذا فرد نمی‌تواند در جهت تغییر یا بهبود آن، گام‌های مؤثری بردارد. از نظر رفتاری، فرد خود را در الگوهای رفتاری خود آسیب رسان مانند انتخاب شریک زندگی یا روابط ناسالم درگیر می‌سازد، موقعیت‌ها و رابطه‌هایی را برمی‌گزیند و حفظ می‌کند که تداوم تله عشقی را در پی داشته باشد. در مقابل، از رابطه‌هایی که به احتمال زیاد موجب ترمیم می‌گردد، اجتناب می‌کند. از نظر رابطه‌های بین فردی، فرد به‌گونه‌ای با دیگران ارتباط برقرار می‌کند که آن‌ها را به سمت پاسخ‌هایی سوق می‌دهد که تله‌ها را تقویت کند [۲۳]. تله‌های زندگی از طریق انتخاب شریک زندگی ناسازگار یکی از معمول‌ترین سازوکارهایی است که از طریق آن طرح‌واره‌ها تداوم می‌یابند و در نتیجه آنچه زنان از خانواده اصلی‌شان می‌آورند و نحوه‌ای که آن‌ها خانواده‌های‌شان را ترک می‌کنند بخش مهمی از فرایند انتخاب همسر و ازدواج آنان را شکل می‌دهد [۳۶، ۳۷]. تله‌های کودکی امکان دارد طبق نظریه طرح‌واره محور بهبود یابند یا بالعکس، تله‌های جدیدی در بزرگسالی بعد از ازدواج تشکیل شود [۱۷، ۳۸]. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت؛ افراد مختلف اهداف متفاوتی از ازدواج دارند و به نوعی که ازدواج را به دید فرصتی برای جبران ناکامی‌ها و یا موقعیتی برای تأیید باورهای‌شان می‌دانند. چنین انتظاراتی از ازدواج ممکن است باعث توقعات سطح بالا شود adjustment and marital satisfaction [Dissertation]. New York: New York University; 1994.

9. D'Andrea JT. An investigation of relationship between early maladaptive schemas and psychological adjustment: The moderating effects of spiritual coping styles [Dissertation]. New York: New York University; 2004.
10. Hasani M, Fathi-Ashtiani A, Rasoolzadeh-Tabatabaei SK. A comparison of early maladaptive schemas and perceived parental rearing behaviors in couples with problem-focused and emotion-focused coping style. *J Behave Sci*. 2012; 6(3): 231-35. [Persian]
11. Zolfaghari M, Fatehi-Zadeh M, Abrdi MR. Determining relationships between early maladaptive schemas and marital intimacy among Mobarakeh Steel Complex personnel. *J Fam Res*. 2008; 4(3):261-47. [Persian]
12. Yousefi N, Etemadi O, Bahrami F, Ahmadi SA, Fatehi-Zadeh M. Comparing early maladaptive schemas among divorced and non-divorced couples as predictors of divorce. *Iranian J Psychiatr Clin Psychol*. 2010; 16(1):23-33. [Persian]
13. Ghamkharfard Z, Amrollahinya M. Examining the predictors of childhood anxiety based on early

- maladaptive schemas of children and parenting styles of mothers. *J Behav Sci.* 2012; 6(3):253-62. [Persian]
14. Barber BL, Eccles JS. Long-term influence of divorce and single parenting on adolescent family- and work-related values, behaviors, and aspirations. *Psychol Bull.* 1992; 111(1):108.
 15. Rapoza KA, Baker AT. Attachment styles, alcohol, and childhood, experiences of abuse: An analysis of physical violence in dating couples. *Violence Victims.* 2008; 23(1): 52-65.
 16. Robinson LC. Interpersonal relationship quality in young adulthood: A gender analysis. *Adolesc.* 2000; 35(140):775-84.
 17. Young JE, Klosko JS. *Reinventing Your Life: PT* Gramedia Pustaka Utama; 1994.
 18. Young JE, Brown G. Young schema questionnaire: A schema-focused approach. *J Cogn Ther Per Disord.* 1994:63-76.
 19. Yoosefi N, Etemadi O, Bahrami F, Fatehizade MA, Ahmadi SA. An investigation on early maladaptive schema in marital relationship as predictors of divorce. *J Divorce Remarriage.* 2010; 51(5):269-92.
 20. Salavati M. Early maladaptive schemas in the risk for bipolar spectrum disorders [Dissertation]: Tehran Psychiatric Institute; 1995. [Persian]
 21. Monajem A. Comparison of domains of early maladaptive schemas and their parenting style and life's traps among married and divorced women [Dissertation]. Payame-Noor University; 2011. [Persian]
 22. Young JE. *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach: Professional Resource Press//Professional Resource Exchange;* 1994.
 23. Young JE, Martin RS. *Handbook of cognitive-behavioral therapies*(3 ed). Dobson KS, editor. London: Guilford Press; 2009.
 24. Leahy RL. *Cognitive therapy techniques: A practitioner's guide.* New York: Guilford Press; 2003.
 25. Beck AT, Rush A. *Cognitive therapy of depression.* New York: Guilford Press; 1968.
 26. Malofeeva E, Day J, Saco X, Young L, Ciancio D. Construction and evaluation of a number sense test with Head Start children. *J Educ Psychol.* 2004; 96(4):648.
 27. Dattilio FM. Restructuring schemata from family of origin in couple therapy. *J Cog Psychol.* 2006; 20(4):359-73.
 28. Crowley AK. The relationship of adult attachment style and interactive conflict styles to marital satisfaction [Dissertation]. Texas A & M University; 2006.
 29. Daemi F, Janbozorgi M. The effect of parenting style and early maladaptive schemas on children's self-esteem. *J Behav Sci.* 2012; 5(2):165-72. [Persian]
 30. Arieti s, Bemporad JR. The psychological organization of depression. *Am J Psychiatr.* 1980; 137(11):1360-5.
 31. Beach SRH, Sandeen E, Oleary KD. *Depression in marriage.* New York: Guilford Press; 1987.
 32. Anderson K, Rieger E, Caterson I. A comparison of maladaptive schemas in treatment seeking obese adults and normal-weight control subjects. *J Psychosom Res.* 2006; 60(3):245-52.
 33. Nordahl HM, Nysaeter TE. Schema therapy for patients with borderline personality disorder: A single case series. *J Behav Ther Exper Psychiatr.* 2005;36(3): 254-64.
 34. Nouri N, Janbozorgi M. The relationship between attachment styles and personal love attitudes and marital values. *J Behav Sci.* 2011; 5(3):225-33. [Persian]
 35. Miller G, Bradbury TN. Refining the association between attribution and behavior in marital interaction. *J Fam Psychol.* 1995; 9(2):196.
 36. Lobbetael J, Michiel F, Van V, Arnoud A. An empirical test of schema mode conceptualizations in personality disorders. *J Behav Resh Ther.* 2008; 46(7):854-60.
 37. Khosravi Z, Seif S, Alie S. The relationship between schema maintenance process and students' attitude toward marriage. *Res Psychol Health.* 2007; 1(4):32-40. [Persian]
 38. Sabzeharaye Langroudi M, Bahramizadeh H, Yadollah M. Schema therapy and family systems theory: The relationship between early maladaptive schemas and differentiation of Self. *Procedia-Soc Behav Sci.* 2011; 30:634-38.